

## «اهل بیت» در آیه تطهیر

اسماعیل تاج‌بخش\*

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۲، تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۴/۲۴)

### چکیده

آیه ۳۳ سوره احزاب به «آیه تطهیر» معروف است. خداوند سبحان در این آیه، «اهل بیت» را از هرگونه پلیدی و پلشتی و ناپاکی مصون معرفی فرموده است. مصداق‌های دقیق اهل بیت کیانند؟! همه دانشمندان شیعه و گروهی از علمای اهل سنت این آیه را درباره اصحاب کساء می‌دانند و برخی دیگر از آنان، زنان پیامبر(ص) را نیز از مصداق آن گمان می‌کنند. اما اینکه کدام گروه در رأی و اعتقاد خود بر راه صواب هستند و کدام گروه بر طریق خطا می‌روند؟! در این مقاله پاسخ این پرسش با ادله عقلی، نقلی و ذکر دقیق منابع در حد امکان ذکر شده است.

**واژگان کلیدی:** قرآن، آیه تطهیر، اهل بیت (ع)، تفسیر، زنان پیامبر، خمسه طیه.

---

\* E-mail: e.taj37@yahoo.com

## مقدمه

خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الأحزاب/ ۳۳)؛ «و [ای همسران پیامبر] در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسول او را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند» (فولادوند، بی‌تا: ۴۲۲). این آیه به «آیه تطهیر» معروف است. به موجب این آیه، خداوند بزرگ «اراده» فرمود که «اهل بیت» را از هرگونه پلیدی و آلودگی پاکیزه گرداند.

اما مصداق‌های دقیق «اهل بیت» چه کسانی هستند؟ آیا حق با کسانی است که مصادیق درست و دقیق آن را «خمسه طیبه» می‌دانند؟ دلیل‌ها و براهین آنان چیست؟ یا حق به دست کسانی است که علاوه بر اهل بیت عصمت و طهارت، زنان پیامبر (ص) را نیز از مصادیق آن به شمار می‌آورند؟ یا کسانی که فقط زنان پیامبر را مصادیق درست آن می‌دانند، بر حق هستند؟ برای تعیین دقیق آنها و رهایی از هر گونه تردید ذهن و ضمیر بررسی‌هایی در این زمینه صورت گرفته که در چند بخش ذیل ذکر می‌شود.

## ۱- معنی لغوی «اهل بیت»

لغت‌پژوهان اتفاق نظر دارند که «أل» و «اهل» دو کلمه مترادف و صورت‌هایی از یکدیگرند؛ مثلاً ابن‌منظور مصری می‌گوید: «... «أل» به معنی اهل است و «أل الله» و «أل رسول» اولیا و دوستان آنهاست. اصل آن «اهل» بوده که با تبدیل هاء به همزه به صورت «أل» درآمده است و پیاپی آمدن همزه‌ها باعث شده که همزه دوم به الف تبدیل شود...» (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱: ۲۹).

این کلمه در ادب عربی از اسماء دائم‌الإضافة است و هنگامی که به اسم دیگری اضافه می‌شود، پیوستگی و وابستگی ویژه‌ای را می‌رساند؛ مثلاً «اهل الرجل» به نزدیکان و اطرافیان مخصوص آدمی و «اهل الغابة» به جنگل‌نشینان اطلاق می‌شود و اگر موارد کاربرد آن در زبان و ادب عربی بررسی شود، در اطلاق آن به خانواده (= زن و فرزندان) و افرادی که پیوند ویژه و بسیار نزدیکی با آنان دارند، تردیدی نخواهد بود. برخی از لغت‌پژوهان بزرگ به این مسأله تصریح و تأکید کرده‌اند:

۱- «... «اهل البيت» ساکنان خانه هستند و «اهل الرجل»، ویژگیان [و وابستگان] او، و «اهل بيت النبي» زنان و دختران و داماد یعنی علی (ع) است. برخی گفته‌اند: زنان پیامبر و مردان [دیگری] نیز از اهل بیت به شمار می‌آیند...» (همان).

اگر در توضیح و تبیین این لغت پژوه دقت شود، دقت و ژرفنگری او در بیان مطلب در خور توجه است که اطلاق «اهل بیت» به زنان پیامبر را با عبارت «برخی گفته اند» (= قیل)، آن هم در پایان توضیح خود می‌آورد!

۲- راغب اصفهانی می‌گوید: «... «اهل الرّجل» یعنی افرادی که با او در نژاد یا دین یا ... پیوندی داشته باشند و در اصل به کسانی اطلاق می‌شود که با او در یک خانه زندگی کنند، سپس مجازاً به کسانی که پیوند نژادی واحدی دارند، اطلاق شده است. بعدها این واژه بر اهل بیت پیامبر(ص) اطلاق شده، چنان که آیه تطهیر به آن اشاره دارد. گاهی نیز مراد از «اهل الرّجل» زن و همسر آدمی است و «اهل الإسلام» یعنی کسانی که تحت لوای اسلام گرد آمده‌اند...» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲۹).

توضیح و تبیین لغت‌پژوهان در گزارش مفهوم «اهل بیت» تردیدی باقی نمی‌گذارد که اهل بیت پیوندی استوار و ناگسستنی با خانه دارد و «اهل» (= خانواده) هر کس قطعاً پیوند نسبی یا سببی استواری با او دارد.

## ۲- «اهل بیت» در آیه تطهیر

مفسران در مصداق‌های «اهل بیت» در آیه شریفه اختلاف نظر دارند:

۱- همه مفسران شیعه (به عنوان نمونه؛ طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۶: ۴۸۴؛ الطبرسی، ۱۳۸۲ق، ج ۷: ۵۵۹ و ۵۶۰ و نیز، ج ۸: ۳۵۷؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۳۲۶-۳۱۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۳۲۷ و ۳۲۸) و گروهی از مفسران اهل سنت (مانند ابوحنیفان اندلسی، ر.ک؛ بیات، ۱۳۹۰: ۵۵) «اهل بیت» را در آیه شریفه به اصحاب کساء تفسیر کرده‌اند.

۲- برخی از مفسران اهل سنت این آیه را شامل اصحاب کساء و زنان پیامبر(ص) دانسته‌اند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۹۸۵ق، ج ۹: ۱۶۸؛ آلوسی، بی تا، ج ۱۳: ۲۲؛ قرطبی، بی تا، ج ۱۴: ۱۸۲؛ سیوطی، ۱۴۰۲ق، ج ۶: ۶۲ و ۶۰۳؛ الماتریدی، ۱۴۲۵ق، ج ۴: ۱۱۶ و ۱۱۷؛ زمخشری، بی تا، ج ۳: ۵۴۶) که همه مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت این نظر را مورد نقد قرار داده‌اند و بر نادرستی آن برهان آورده‌اند (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۸: ۳۴۱-۳۴۰؛ ابوحنیفان اندلسی، ر.ک؛ بیات، ۱۳۹۰: ۵۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۳۲۷ و طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۶: ۳۱۰).

۳- برخی کوشیده‌اند «اهل بیت» را فقط بر زنان پیامبر تطبیق دهند و برخی دیگر آن را در شأن همه خویشان رسول خدا (ص) دانسته‌اند. ابن عربی نظری عجیب در این مورد دارد. او میان «آل» و «اهل» تفاوت قائل است: «به باور وی آل بیت مؤمنان راستین هستند و از کمالات ویژه برخوردارند و اگر آن ویژگی‌ها و کمالات در برخی از اهل بیت موجود باشد، او نیز از آل بیت است و لاَ قَلَّ» (بیات،

۱۳۹۰: ۳۶ به نقل از فتوحات مکیه ابن عربی). البته این یک «تحریف معنوی» است و بر پایه تحریف او از لفظ و معنی حدیث ثقلین صورت گرفته است (ر.ک؛ همان: ۵۳).

۴- برخی بسیار کوشیده اند که آن را فقط بر زنان پیامبر (ص) تطبیق دهند که به عنوان نمونه بخاری و ابن ابی حاتم و ابن عساکر و ابن مردویه از آنانند.

۵- برخی از اهل سنت نیز آیه تطهیر را در شأن همه خویشان رسول خدا (ص) اعم از زنان و خویشاوندان و فرزندان او - یعنی همه بنی هاشم و فرزندان عبدالمطلب - دانسته اند (ر.ک؛ اشعری، بی تا: ۹).

باتوجه به این نظریات گوناگون، با اندکی دقت معلوم می شود که لفظ «اهل البیت» در آیه مبارکه - با اینکه قابلیت شمول آن قابل انکار نیست - برای تعیین دقیق مراد کافی نیست و قراین و نشانه های دیگری لازم است که آشکارا و بی هیچ ابهامی بر مصداق های اصلی آن در آیه دلالت کند. این قراین عبارت هستند از:

### ۱-۲) قرینه نخست: عهدیه بودن «ال» در «اهل البیت»

«ال» (الف و لام) اهل البیت در این آیه چه معنایی دارد؟ آیا مفید جنس است یا استغراق یا عهد؟ «ال» جنس مفید طبیعت و سرشت مدخول است؛ مانند «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» (العصر/ ۲) و معلوم است که در آیه، طبیعت و سرشت «بیت» (= خانه) منظور نیست. «ال» (الف و لام) استغراق هم بیانگر عمومیت و فراگیری مدخول است؛ مانند: «... جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ...» (التوبه/ ۷۳) و اگر به معنی استغراق باشد، شامل همه خانه ها در جهان خواهد شد و اگر چنین بود، لفظاً و ظاهراً نیز باید به صورت «بیوت العالم» یا دست کم «بیوت النبی» بیان می شد؛ همان گونه که در آغاز آیه به صورت «وَقَرْنِ فِي بُيُوتِكُنَّ» آمده، چون مراد از آنها همه زنان پیامبر (ص) در همه اطاق هاست. اگر در آیاتی که درباره زنان پیامبر نازل شده است و نیز بسامد واژه «بیت» در قرآن دقت شود، معلوم می شود که خانه مسکونی به صیغه جمع مؤنث آمده است و خانه نبوت و رسالت به صورت مفرد و محلی به «ال» به کار رفته است.

با توجه به توضیحات یاد شده، ناگزیر باید پذیرفت که «ال» (الف و لام) در آیه مفید عهد ذکر یا ذهنی یا حضوری است؛ یعنی «آن خانه [و خاندان] معهود و مذکور و معلوم و حاضر میان متکلم و مخاطب. حال پرسش این است که این خانه از آن کیست و ساکنان آن کیانند؟ آیا مراد از آن خانه هایی است که همسران پیامبر (ص) در آنها زندگی می کردند؟ یا خانه ای است که فاطمه زهرا (ع) و همسرش علی (ع) و فرزندان در آن سکنی گزیده بودند؟

روشن است که احتمال نخستین را نمی توان پذیرفت؛ زیرا در آیه شریفه «البیت» مفرد است و زنان پیامبر (ص) هر یک خانه (= اطاق) جداگانه داشته اند و اگر یکی از اطاق ها مصداق آیه باشد، آیه شریفه

درباره یکی از زنان او صادق خواهد بود که البته هیچ خرد سالم‌اندیش و دور از هوی این را نمی پذیرد و چاره‌ای جز این نیست که «البیت» در این آیه بر خانه خاص معهودی حمل شود که جز خانه حضرت زهرا (ع) نخواهد بود.

ممکن است کسی بگوید «البیت» در آیه با این که مطلق آمده است - مانند آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ...» و نظایر آن - مجازاً تخصیص معنایی یافته است و به معنی «بیت النبوه» و «بیت الوحی» آمده است. اگر این معنی را بپذیریم، باید توجه کنیم که وابستگان (= اهل) چنین خانه‌ای باید شایستگی و پیوند کامل و تمامی با آن داشته باشند و صرف دارا بودن پیوستگی حسَب و نَسَب برای آن کافی نیست. زمخشری این نکته را نیک دریافته است و در تفسیر آیه «قَالُوا أَتَعَجِّبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (هود/۷۳) «فرشتگان» گفتند: آیا از فرمان خداوند و رحمت و برکات او بر شما اهل بیت شگفت زده می‌شوید؟ می‌گوید: «[علت نزول برکات الهی بر او (= ساره، همسر حضرت ابراهیم که از بشارت فرشته وحی درباره بچه‌دار شدن خویش در شگفت است)، این است که] او در خانه [نزول] آیات و معجزات سکنی گرفته است و نباید خود را با زنان دیگر مقایسه کرده، در طلب زیور و زینت این جهانی باشند. در حقیقت، فرشتگان خاطر نشان می‌کنند که به جای تعجب، به اِکرام و عنایت خداوندی و نعمتی که به او ارزانی داشته، توجه کند» (زمخشری، بی تا، ج ۲: ۱۰۷).

## ۲-۲) قرینه دوم: مذکر آوردن ضمیرها

با اندک دقتی در آیات قرآن معلوم می‌شود که وقتی زنان پیامبر (ص) مخاطب شده‌اند، ضمایر وابسته به آنها نیز مؤنث آمده‌اند:

الف) «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (الأحزاب/۳۲)؛ «ای همسران پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید، اگر سر پروا دارید، پس، به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است، طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید» (فولادوند، بی تا: ۴۲۲).

ب) «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الأحزاب/۳۳)؛ «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزاید و شما را پاک و پاکیزه گرداند» (فولادوند، بی تا: ۴۲۲).

ج) «وَأذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا: آنچه را در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می‌شود، یاد کنید. خداوند لطیف و خبیر است» (الأحزاب/۳۴).

در مجموع، این آیات هفتگانه (۲۸ تا ۳۴ سوره الاحزاب) ۲۴ ضمیر جمع وجود دارد که ۸ ضمیر آن در آیه تطهیر است و فقط دو ضمیر به صورت جمع مذکر «کم» آمده است و بقیه ضمیر مؤنث هستند. با اندک دقتی در آیه دوم می‌بینیم که یکباره ضمیر از جمع مؤنث حاضر به جمع مذکر دگرگون شده‌اند. اگر مراد از «اهل البیت» در آن، زنان پیامبر(ص) باشند، راز و رمز این عدول و تغییر ناگهانی چیست؟! ناگزیر باید گفت که مراد از آن زنان پیامبر نتواند بود. هرچند برخی از مفسران و تحلیل‌گران کوشیده‌اند این تناقض را با دلیل‌های سست و خنده‌دار از میان بردارند و گفته‌اند: ضمیر مذکر به «اهل» بر می‌گردد که به معنی «زن» است و این نظیر جمله «كَيْفَ أَهْلَكَ» است که در احوال‌پرسی‌های متعارف به کار می‌رود؛ یعنی «حال خانواده‌ات (= زنت) چطور است؟» و در آیه «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (هود / ۷۳) نیز همین گونه است. (ر.ک: قرطبی، بی تا، ج ۱۴: ۱۸۲). با اندکی دقت سستی این دلیل نیز آشکار است؛ زیرا در جمله «كَيْفَ أَهْلَكَ» لفظ «اهل» مقدم است و ضمیر «هم» متأخر. در حالی که در آیه تطهیر و آیه مورد استشهاد نخست ضمیر آمده است و آنگاه مرجع آن. ضمناً استشهاد نیز اشکال دارد. در این آیه حضرت ابراهیم (ع) و همسرش مورد خطاب دو فرشته‌اند و آوردن ضمیر «هم» از باب تغلیب است - البته ممکن است اطلاق «اهل البیت» بر ساره از باب مجاز باشد و قرینه مجاز بودن این اطلاق آن است که خطاب فرشتگان به ساره باشد - و اگر منظور از ضمیر «کم» زنان پیامبر(ص) باشد، تغلیب در این باره جایگاه و معنایی نخواهد داشت. ضمناً به فرموده آیت الله جوادی آملی: «...اختلاف ضمیر «کم» در این آیه و ضمیر قبل و بعد آن (=کُنَّ، تُنَّ، نَ) نشانه اختلاف مخاطب است. ابی‌الجارود از زید بن علی (= زید شهید) نقل کرده است: «إِنَّ جَهْلًا مِنَ النَّاسِ يَرَعُمُونَ إِنَّمَا أَرَادَ بِهَذِهِ الْآيَةِ أَزْوَاجَ النَّبِيِّ وَ قَدْ كَذَبُوا وَ أَتَمُّوا، لَوْ تَمَنَّى بِهَا أَزْوَاجَ النَّبِيِّ لَقَالَ: لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا وَ لَكَانَ الْكَلَامُ مُؤْتَمًّا كَمَا قَالَ: وَ أذْكُرْنَ فِي مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ...» (ر.ک: صفایی، ۱۳۸۶: ۶۲ به بعد).

### ۲-۳) قرینه سوم: اراده در آیه تطهیر تکوینی است نه تشریحی

آیه تطهیر صراحت دارد که اراده خداوند بر پاک بودن «اهل بیت» از هر گونه پلیدی و آلودگی تعلق گرفته است و اینجا به قول فخر رازی نکته‌ای دقیق نهفته است و آن اینکه «...» «إِذْ هَابَ رَجْسٌ» به ازاله ذنوب و «تطهیر» به پوشاندن خلعت کرامت اشاره دارد» (فخر رازی، ۱۹۸۵ ک، ج ۱۳: ۲۱۰)؛ یعنی خداوند درباره مخاطبان آیه لطف دو چندان فرموده است و علاوه بر زدودن هر گونه پلیدی ظاهری و باطنی از آنان، خلعت تکریم نیز بر پیکرشان پوشانده است. بی تردید «اراده» یاد شده در آیه، اراده

تکوینی خداوند است نه اراده تشریعی؛ زیرا اراده تشریعی خداوند سبحان به پاک بودن همه مؤمنان از آلودگی‌ها تعلق دارد و اگر منظور از «اهل بیت» زنان پیامبر باشد، باید به عصمت و پاکی آنان از هرگونه لغزش و خطایی معتقد باشیم، در حالی که آخدی چنین ادعایی را درباره هیچ کدام از آنان نکرده است و اگر چنین امری صحیح بود، طرفداران عایشه دستاویز خوبی برای توجیه جنایات او در فتنه جمل داشتند. در این باره، سخن علامه امینی در احتجاج با یک دانشمند سنی درباره مصداق دقیق «اهل بیت» در آیه شریفه حائز اهمیت است: «... علامه‌ای جلیل‌القدر داستانی را برایم بیان کرد که برای علامه امینی صاحب‌التعذیر پیش آمده بود. خلاصه داستان چنین است: علامه امینی با یکی از دانشمندان اهل سنت اجتماع کرده بود. آن عالم سنی درباره آیه تطهیر از وی پرسید که درباره چه کسانی نازل شده است؟ آیا درباره زنان پیامبر (ص) فرود آمده است یا درباره کسانی دیگر؟ علامه امینی پاسخ وی را با پرسشی داد که مفاد آن چنین است: آیا به نظر شما، اگر آیه تطهیر درباره زنان پیامبر (ص) فرود آمده، آنان را اندک نصیبی از آن بود؟ آیا اُمّ المؤمنین عایشه این امر را رها می‌کرد و آن را بر پیشانی شترش (عسکر) که در جنگ جمل بر آن سوار شد و مردمان را برای جنگ بر ضد علی (ع) تشویق می‌کرد؛ نمی‌نوشت؟! آن دانشمند پاسخ مثبت داد. «خداوند پیامبر زاد علامه امینی را و آن دانشمند منصف را پاداش نیکو دهد. چه، عایشه نیاز شدیدی به این احتجاجات داشت» (عاملی، ۱۳۷۲: ۷۸).

#### ۲-۴) قرینه چهارم

تنوین «تطهیراً» برای تعظیم است؛ یعنی این تطهیر، تطهیری فراتر از پاکیزگی معمول و تطهیری ویژه است. در *ینابیع الموده* آمده است: «... تَأْكِدُهُ بِالْمَفْعُولِ الْمُطْلَقِ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ طَهَارَتَهُمْ طَهَارَةٌ كَامِلَةٌ فِي أَعْلَى مَرَاتِبِ الطَّهَارَةِ»، یعنی «تأکید فعل با مفعول مطلق (= تطهیراً) نشانه این است که پاکی و طهارت این بزرگواران طهارت بی‌مانند و از والاترین مراتب طهارت و پاکیزگی است» (قندوزی، ۱۹۶۶م: ۱۰۹).

#### ۲-۵) قرینه پنجم

آیات مربوط به زنان پیامبر (ص) از آیه ۲۸ شروع و به آیه ۳۴ پایان می‌پذیرد که زنان پیامبر (ص) یک بار با لفظ «أزواج» و دو بار با لفظ «نساء النبی» مورد خطاب قرار گرفته‌اند. عدول از این گونه تعبیر صریح به تعبیر دیگر (= اهل بیت) قرینه و دلیل است بر اینکه مخاطبان آیه تطهیر غیر از موارد پیشین هستند. در اینجا به سخن مفسر کم نظیر جهان تشیع - علامه طباطبائی - اشاره می‌شود که می‌فرماید: «حتی یک روایت بر نزول این آیه در ضمن آیات همسران پیامبر (ص) وارد نشده است و کسی نیز آن را ذکر نکرده، حتی کسانی که قائل به اختصاص آیه به همسران پیامبر (ص) هستند، چنان که به عکرمه و عروه نسبت داده می‌شود. بنابراین، آیه تطهیر بر حسب نزول جزو آیات همسران

پیامبر(ص) و متصل به آن نیست و قرار گرفتن آن بین آیات مزبور یا به فرمان پیامبر(ص) یا هنگام تألیف بعد از رحلت ایشان بود و مؤید آن این است که انسجام و اتصال آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» بر فرض برداشته شدن آیه تطهیر از بین جمله‌های آن به هم نمی‌خورد. بر این اساس، موقعیت آیه تطهیر نسبت به آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» مانند موقعیت «الْيَوْمَ يَسِّرُ الْدِّينَ كَفَرُوا» (المائدة/۳) نسبت به آیه محرّمات اکل از سورة المائدة است» (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۶: ۳۰۹ و ۳۱۲).

### ۲-۶) آیه مباحله

در قرآن کریم آمده است: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران/۶۱)؛ «پس هر که در این [بار] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو مُحَاجّه کند، بگو بیایید، پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فراخوانیم. سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم» (فولادوند، بی‌تا: ۵۷). این آیه درباره گروهی از اُسُقُف‌های نجران است که پیش پیامبر (ص) آمدند و قصد مباحله داشتند و پیامبر اکرم (ص) در پی فرمان خداوند سبحان که به صراحت از او خواسته بود، «فرزندان» و «زنان» خود را به مباحله ببرد، فقط «خمسه طیبه» را با خود به همراه برد و نه هیچ یک از زنان خود را، و این مسأله در منابع اهل سنت نیز ذکر شده است (ر.ک؛ آلوسی، بی‌تا، ج ۳: ۱۸۸ به بعد). پُر واضح است که نیاوردن دیگران به آوردگاه مُحَاجّه و مباحله نشان می‌دهد که دیگران مصداق «اهل بیت» نیستند. گفتنی است که حضرت زهرا(ع) در ماجرای فدک نیز برای اِحْقاق حق خویش به آیه تطهیر استشهاد می‌فرماید و «اهل بیت» را از هر گونه پلیدی و آلودگی مبرا دانسته‌اند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۳۰: ۳۰۶).

### ۳- اهل بیت در روایات

۳-۱) پیامبر اکرم(ص) خود در موارد متعدّد «اهل بیت» خویش از راه‌های گوناگون معرفی فرموده است. امّ سلمه - یکی از زنان پیامبر(ص) - می‌گوید: آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...» در خانه من نازل شد و من کنار در نشسته بودم. از رسول خدا(ص) پرسیدم: آیا من نیز از «اهل بیت» به شمار می‌آیم؟ حضرت فرمود: تو همسر من و بر راه خیر و صلاح هستی. امّ سلمه می‌گوید: در خانه، رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین بودند». مضمون روایت با اندک تفاوت در جزئیات، از طبری، سیوطی و ابوسعید خدری نیز روایت شده است (برای دیدن شرح دقیق ماجرا و متن روایت‌ها، ر.ک؛ سبحانی، ۱۴۲۰ق: ۲۲-۲۳).



### ۳-۱) در آمدن در زیر کساء

روایات متعدّد تصریح دارند که پیامبر(ص) بارها «خمسه طیبه» را زیر عبای خود گرد آورده، سپس آیه تطهیر را تلاوت فرموده است. این روایات را طبری و سیوطی - با اندکی تفاوت در مضمون - در کتاب‌های خود آورده‌اند که یکی از آنها به عنوان نمونه ذکر می‌شود: «أمّ سلمه می‌گوید: پیامبر و علی(ع) و فاطمه و حسن و حسین(ع) در خانه من بودند. برایش خربزه‌ای تهیّه کردم. آن را خوردند و خوابیدند. پیامبر عبا و تن پوش مخصوص خود را روی آنان کشید و فرمود: «خداوندا! اینها اهل بیت منند. از آنان ناپاکی و پلیدی را دور گردان و آنان را پاکیزه کن» (برای دیدن متن روایت ها، ر.ک؛ همان: ۲۳ تا ۲۸)

### ۳-۳) معرفی اهل بیت با خواندن آیه تطهیر بر در خانه آنها

در روایات متعدّد آمده است که پیامبر اکرم(ص) هر روز به هنگام دمیدن صبح به در خانه حضرت فاطمه(ع) می‌رفت و آنها را به نماز فرا می‌خواند و آیه تطهیر را تلاوت می‌فرمود (سبزه‌روایت از این روایات در (سبحانی، ۱۴۲۰ق: ۲۸ تا ۳۳) ذکر گردیده است و منابع دیگری نیز برای مطالعه و پژوهش معرفی شده است (ر.ک؛ همان: ۳۳-۳۴)، و برای دیدن منابع مختلف این روایات، ر.ک؛ بشوی، ۱۳۸۶: ۸۶ به بعد).

### ۴- معضل سیاق در آیه تطهیر

کسانی که «اهل بیت» را در آیه تطهیر به زنان پیامبر معنی می‌کنند، عمده‌ترین دلیل آنان این است که صدر و ذیل آیه تطهیر درباره زنان پیامبر(ص) است و سیاق کلام اقتضاء می‌کند که این آیه نیز درباره آنان باشد و این برخلاف هنجار سخن فصیح است که گوینده ای یک مطلب را درباره یک موضوع معین بگوید و یکبار از آن عدول کرده، مطلب دیگری ایراد کند و دوباره به مطلب نخستین برگردد. در پاسخ این افراد می‌توان دلایل زیر را ارائه داد.

۴-۱) بی تردید توجه به سیاق در بافت سخن برای رسیدن به جان کلام گوینده قرینه و نشانه‌ای ضروری است، اما این در جایی است که دلیلی قوی بر خلاف آن نباشد. در غیر این صورت، وحدت سیاق و قرینه بودن از درجه اعتبار و اعتنا ساقط است. دلیل این سخن در ادامه بحث خواهد آمد.

۴-۲) آیه تطهیر آیه ای است که مستقلاً نازل شده است و قرار دادن آن در میان آیاتی که مربوط به زنان پیامبر(ص) است، مصلحتی داشته که صاحب شریعت به آن آگاه بوده است که برخی از این دلایل استقلال آن عبارت است از:

۴-۲-۱) در روایاتی که درباره شأن نزول آیه تطهیر آمده، همه راویان همدستانند که نزول آن جداگانه بوده است. نمونه آنان ام سلمه، عایشه، ابو سعید خدری و دیگرانند، صرف نظر از اینکه مراد از «اهل بیت»، «خمسه طیبه» باشد یا زنان پیامبر (ر.ک؛ سبحانی، ۱۴۲ق: ۴۴).

۴-۲-۲) آوردن مطلبی که مضمون آن مغایر با پیش و پس آن باشد، بر گوینده ایرادی محسوب نمی‌شود. مفسران بزرگ صریحاً این نکته را ذکر کرده‌اند که طبرسی و شیخ محمد عبده و مغنیه از آنانند (برای دیدن متن اظهار نظرهای این بزرگان، ر.ک؛ همان: ۴۵). نمونه این هنجارگریزی در قرآن کریم نیز آمده است. عزیز مصر خطاب به همسرش (= زلیخا) می‌گوید: «...إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ \* يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ» (یوسف/۲۸ و ۲۹)؛ «بی‌شک این از نیرنگ شما [زنان] است، که نیرنگ شما [زنان] بزرگ است. ای یوسف! از این [پیشامد] روی بگردان و تو [ای زن] برای گناه خود آمرزش بخواه که تو از خطاکاران بوده‌ای» (فولادوند، بی‌تا: ۲۳۸). در این آیه «يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا» خطاب به حضرت یوسف (ع) است و پیش و پس آن خطاب به زلیخاست. قاعده کلی برای این نوع هنجارشکنی، انگیزه و تناسبی است که در کلام هست و چنین عدولی را برای گوینده مجاز و فراهم می‌کند.

۴-۲-۳) آیاتی که درباره زنان پیامبر نازل شده‌اند - و نمونه آنها در سوره تحریم است - رنگ و بوی انذار و تهدید دارند، اما آیاتی که درباره اهل بیت عصمت و طهارت هستند، لحن آنها مدح، ثنا و تکریم است. هر شخص بی‌طرف و با انصافی کافی است در دو آیه زیر تأمل کند که می‌فرماید:

الف) «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ...» (الأحزاب/۳۰)؛ «ای همسران پیامبر! هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند، عذاب آن دو چندان خواهد بود...» (فولادوند، بی‌تا: ۴۲۱).

ب) «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» (الأحزاب/۳۳)؛ «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید...» (فولادوند، بی‌تا: ۴۲).

«...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الأحزاب/۳۳)؛ «خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند» (فولادوند، بی‌تا: ۴۲).

۴-۲-۴) حذف آیه تطهیر از میان آیه ۳۳ و ۳۴ سوره احزاب هیچ خللی به نظم و مفهوم این دو آیه نمی‌رساند و این دلیلی است کافی بر این که آیه تطهیر هیچ پیوند معنایی با آن دو ندارد و به خاطر مصلحتی آنجا قرار یافته است.

۴-۲-۵) همه روایات به استقلال نزول آیه تطهیر صراحت دارند، حتی در یک روایت به نزول آن میان آیات النساء اشاره نشده است و کسانی که آن را درباره زنان پیامبر می‌دانند - نظیر عکرمه و عروه - چنین سخنی نگفته‌اند. در تفسیر طبری، الدر المنثور و صحاح سته از ام سلمه نقل شده که گفت: «آیه تطهیر در خانه من نازل شده است» (سبحانی، ۱۴۲: ۴۴) و ابوسعید خدری از پیامبر خدا (ص) نقل کرده که فرمود: «این آیه درباره من و علی و فاطمه و حسن و حسین نازل شده است» (همان) و از عایشه نیز نقل شده که روزی رسول اکرم (ص) چاشتگاه بیرون آمد و تن پوشی سیاه‌رنگ بر دوش افکنده بود. سپس حسن و حسین و فاطمه و علی یک‌یک پیش او آمدند و او آنان را زیر عبای خویش گرد آورده، فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ...» (همان؛ نیز، رک؛ عاملی، ۱۳۷۲: ۱۰۲ به بعد).

نتیجه اینکه آیه شریفه به هنگام نزول جزء آیات هفتگانه مربوط به زنان پیامبر (ص) در سوره احزاب نبوده است و به امر پیامبر (ص) یا بعد از رحلت او - هنگام جمع و تألیف قرآن کریم - آن را میان آن آیات قرار داده‌اند. این مسأله در قرآن سابقه دارد و آیه غدیر نیز در سوره المائده، در میان آیاتی که از تحریم گوشت‌های حرام در آنها سخن رفته است، قرار گرفته است.

## ۵- دلیل‌های واقع شدن آیه تطهیر در میان آیات ۳۳ و ۳۴ سوره احزاب

موضوع آیه تطهیر با آیات پیش و پس آن فرق دارد و این می‌تواند از باب التفات یا اعتراض باشد.

### ۵-۱) التفات

التفات تغییر سیاق سخن، از غیبت به خطاب یا خطاب به غیبت و یا نظایر آن، است و یکی از شیوه‌های بیانی است که باعث زیبایی، شکوه و درخشندگی سخن می‌شود و فایده مهم آن برانگیختن دقت و توجه مخاطب به سخن گوینده است و ای بسا انگیزه التفات در این نکته باشد که آگاه‌ترین مردم به مبانی و معانی، اشارات و دلالت‌های قرآن، پیامبر اکرم (ص) است. گویی رسول خدا (ص) با دو جهان بین نهان‌بین خود آینده را مشاهده می‌فرمود که دشمنان دوست‌نمایش به رغم تأکیدها و توصیه‌های فراوان او چگونه نص صریح قرآن را به نفع خود تأویل و تحریف می‌کنند.

در روایات بسیاری نیز تأکید شده که منظور از «اهل بیت» اصحاب کساء (= خمسة طیبه) هستند. این روایات را علاوه بر دانشمندان شیعه، علمای سنی نیز بر تواتر روایت کرده‌اند. یکی از دانشمندان تحقیق جامعی در این مورد کرده است و متون این روایات را - که بالغ بر چهارصد صفحه است - در کتابی با عنوان آیه‌التطهیر فی احادیث الفریقین آورده است. ضمناً راویان احادیثی که بر انحصار آیه تطهیر به اصحاب کساء دلالت می‌کند، آن قدر زیادند که هیچ تردیدی در این زمینه نمی‌توان داشت تا

آنجا که در کتاب شرح / حقائق / الحق بیش از هفتاد منبع معروف فقط از اهل سنت در این باره آمده است (ر.ک؛ مرعشی، ۱۳۳۷ق، ج ۲: ۵۰۲ و ج ۹: ۹۱ و ۹۲).

## ۲- اعتراض

می توان آیه تطهیر را از جملات معترضه ای دانست که نمونه آنها در قرآن فراوان است؛ مانند جمله «لَوْ تَعْلَمُونَ» در آیه ۷۶ سوره واقعه: «وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَعْلَمُونَ عَظِيمٌ»؛ و جمله «إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ» در آیه ۲۸ و ۲۹ سوره یوسف: «فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدًّا مِنْ ذُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ \* يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ». دلیل آمدن آن نیز در میان آیات مربوط به زنان پیامبر (ص) می تواند برای بیان فرق بزرگ و خطیری باشد که میان آنان و همسران پیامبر (ص) هست و مسلمانان گمان نکنند که زنان پیامبر در عصمت و طهارت همسنگ اهل بیت نبوت (ع) هستند و ای بسا خدای سبحان خواسته این نکته را بفهماند که اگر زنان پیامبر - که با او در یک خانه ساکن هستند - کارهایی سرزنش انگیز کنند، مسلمانان باید حساب اهل بیت او را از آنان جدا کنند و دامان آن بزرگواران را از هرگونه پلیدی و آلودگی میرا بدانند.

## نتیجه گیری

با ادله عقلی و نقلی نتایج زیر ثابت شد که:

- ۱- آیه تطهیر صراحت دارد که «اهل بیت» از هر گونه پلیدی و پلشتی ظاهری و باطنی منزّه هستند و مراد از «بیت» در آیه تطهیر «بیت» نبوت و رسالت است نه خانه مسکونی، لذا منظور از «اهل بیت» در آیه تطهیر نیز «اصحاب کسا» هستند؛ یعنی پیامبر (ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام. این نظر همه مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت است، هر چند عده ای از دشمنان اهل بیت (ع) با چنگ زدن به پاره ای از روایات و تمسک به وحدت سیاق معنایی خواسته اند آن را به زنان پیامبر (ص) تفسیر کنند. این روایات مخدوش هستند و با دلیل های انکارناشدنی مردود شده اند.
- ۲- در قرآن کریم شواهد دیگری - جز آیه تطهیر - دیده می شود که این آیه جداگانه نازل شده است و پیوندی با آیات پیشین و پسین خود ندارد.
- ۳- آیات مربوط به زنان پیامبر (ص) لحن انذار و تهدید دارند و آیه تطهیر لحن احترام و تکریم، و هر کدام شأن نزول مستقلی دارد که در منابع تفسیری آمده است و اگر آیه تطهیر را شامل زنان پیامبر (ص) بدانیم، معنای درستی که خرد سالم آن را بپذیرد، نمی توان برای آیه ذکر کرد.
- ۴- در منابع اسلامی - اعم از شیعه و سنی - روایات متعددی از صحابه کبار پیامبر و همسران آن حضرت (ص) نقل شده که همه آنها نزول آیه تطهیر را در شأن اصحاب کساء دانسته اند.

۵- شخصیت های بزرگواری درباره عصمت حضرت زهرا (ع) و معصومان دیگر به آیه تطهیر استناد کرده اند که مهم ترین آنان خود حضرت صدیقه طاهره (ع) - در موضوع فدک - است.

۶- زنان پیامبر (ص) معصوم نیستند و اراده الهی بر طهارت ذاتی و فعلی آنان تعلق نگرفته است و هیچ کدام از آنان در دامان معصوم پرورش نیافته اند و لازمه زوجیت آنان با پیامبر (ص) نیز تحقق شرط مذکور نیست و به صرف زوجیت نمی توان آنان را در مفهوم و مصداق «اهل بیت» به شمار آورد، هر چند با رسول اکرم (ص) زیر یک سقف زندگی کرده باشند. ضمناً باید یقین کرد که حضرت علی (ع) نیز از «اهل بیت» است؛ زیرا او و حضرت رسول (ص) هر دو از یک نژادند و سنخیت ذاتی و وجودی و نوری واحد دارند؛ چنان که خود آن حضرت (ص) فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ» (رضا نژاد، ۱۳۸۱: ۸۵۵) و روایات بسیاری دلالت دارند که معصومان دیگر (ع) نیز از «اهل بیت» به شمار می آیند.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

آلوسی، سید محمود. (بی تا). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن منظور، محمد. (۱۴۰۵ق.). *لسان العرب*. قم: نشر الأدب الحوزه.

ابوالفتح رازی، حسین. (۱۴۰۴ق.). *روح الجنان*. قم.

اندلسی، ابوحنیفان محمد بن یوسف. (۱۳۷۹ق.). *البحر المحیط فی التفسیر*. لبنان - بیروت.

بشوی، محمد یعقوب. (۱۳۸۶). *شخصیت حضرت زهراء در قرآن از منظر تفاسیر اهل سنت*. قم: بوستان کتاب.

بیات، محمدحسین. (۱۳۹۰). «بررسی و نقد دیدگاه ابن عربی در باب خلافت و امامت». *سراج منیر*. سال دوم، شماره ۵. ۲۵-۶۶.

رازی، فخرالدین. (۱۹۸۵م.). *التفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب*. بیروت: دار الفکر.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۱۳۸۱ق.). *المفردات*. مصر: مصطفی البابی الحلبي.

رضانژاد (نوشین)، غلام حسین. (۱۳۸۱ق.). *لطایف و عرفان در روابط خدا و انسان*. تهران: الزهراء.

زمخشری، محمود. (بی تا). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دار المعرفه.

سبحانی، جعفر. (۱۴۲۰ق.). *اهل البيت؛ سمانهم و حقوقهم فی القرآن الکریم*. قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).

سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۲ق.). *الدّر المنثور*. بیروت.

شريف الرضى، محمد بن حسين. (۱۳۸۰). *نهج البلاغه*. ترجمه فولادوند. بی جا.

صدوق، محمد بن علی بن حسين. (۱۴۰۵ق.). *كمال الدين و تمام النعمة*. به كوشش علی اكبر غفاری. قم: جامعه مدرسین قم.

صفایی، محمد. (۱۳۸۶). *تجلی ولایت در آیه تطهير*. برگرفته از آثار آیت الله جوادی آملی. قم: نشر اسراء.

طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۶۳). *الميزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه موسوی همدانی. تهران: نشر فرهنگی رجاء.

الطبرسی، شیخ أبوعلی الفضل بن حسن. (۱۳۸۲ق.). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: الإسلامیه.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. به كوشش احمد حبيب قصیر عاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عاملی، علامه سید جعفر مرتضی. (۱۳۷۲). *اهل بيت در آیه تطهير*. ترجمه سپهری. قم: بوستان کتاب.

قرطبی، أبو عبدالله محمد بن أحمد. (بی تا). *الجامع لأحكام القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

قندوزی، سلیمان. (۱۹۶۶م.). *ینابیع المودة*. قم: مکتبه بصیرتی.

الماتریدی، ابومنصور محمد. (۱۴۲۵ق.). *تأویلات اهل السنة*. فاطمه یوسف الخیمی. بیروت - لبنان: الرسالة الناشرین.

مجلسی، محمدباقر. (۱۹۸۳م.). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.

مرعشی، شهاب الدین. (۱۳۳۷ق.). *شرح و ملحقات إحقاق الحق قاضی نورالله شوشتری*. قم.

مکارم شیرازی، آیه الله ناصر و همکاران. (۱۳۸۶). *تفسیر نمونه*. ج ۱۷. تهران: دار الکتب الإسلامیه.